

چکیده

داریوش شکیبایی*؛ شیرین ایران فر**؛ نصرت الله منتظری***؛ منصور رضایی*** ناهید یاری****

چکیده :

سابقه و هدف: با توجه به اینکه در شرایط زندگی امروز، نیازهای جامعه در حال تغییر دایمی هستند، چنین توصیه شده که ما نیز می‌بایست در آموزش خود تغییر ایجاد کنیم. نظر به اینکه استفاده از تجربیات مدرسان می‌تواند نقش مهمی در این خصوص داشته باشد و با توجه به کمبود اطلاعات در این زمینه، مطالعه حاضر به منظور تعیین دیدگاه اعضای هیأت علمی در مورد بعضی از شاخص‌های آموزشی در دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه در سال ۱۳۸۰ صورت گرفته است.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه توصیفی - تحلیلی از پرسشنامه‌ای مشتمل بر دو قسمت (مشخصات دموگرافیک اعضای هیأت علمی و نظرهای آنان در خصوص شاخص‌های آموزشی) استفاده گردید. برای تعیین روایی از روایی محتوا و برای تعیین پایایی ابزار از یک مطالعه مقدماتی و تعیین آلفای کرونباخ استفاده شد که ضریب همبستگی ۰/۷ را نشان داد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و آمار تحلیلی (ضریب همبستگی و آزمون کای دو) استفاده شد.

یافته‌ها: از مجموعه اعضای هیأت علمی شاغل در دانشگاه، ۱۵۷ نفر پرسشنامه را تکمیل نمودند. ۶۹ درصد آنان مرد، محل اشتغال ۷۴/۴ درصد در دانشکده پزشکی، ۹۰/۷ درصد در کارگاه‌های روش تدریس شرکت کرده بودند و ۶۶/۹ درصد، کارگاه‌ها را بانیازهای آموزشی مدرسان مناسب دانستند. همچنین عمدتاً گذراندن دوره یا واحد خاصی را در خصوص روش تدریس برای مدرس الزامی (۸۷/۹) و زمان مناسب آن را قبل از شروع بکار دانسته‌اند. مهم‌ترین مشکلات آموزشی را عدم توجه مسئولین به مشکلات آموزشی (۵۰/۳٪)، عدم هماهنگی رشته‌های آموزشی با نیاز جامعه (۵۴٪)، عدم تناسب تعداد دانشجویان با امکانات، فضای آموزشی و نیروی انسانی (۵۰/۳٪) و همچنین نامناسب بودن گزینش دانشجو (۶۸/۶٪) دانستند.

بحث: به‌رغم اینکه حدود یک سوم اعضای هیأت علمی، کارگاه‌های روش تدریس را مناسب با نیازهای آموزشی خود ندانسته، اما عموماً برگزاری کارگاه‌هایی را به‌شکل مداوم و متوالی ضروری دانسته‌اند. همچنین اعضای هیأت علمی میزان توجه مسئولین به مشکلات آموزشی و میزان تناسب تعداد دانشجویان با امکانات و فضای آموزشی و نیروی انسانی را ضعیف ارزیابی نمودند. چنین به نظر می‌رسد که توجه بیش از پیش مسئولین به کمیت و کیفیت کارگاه‌ها و رفع مشکلات آموزشی دانشگاه قابل تأکید است و استفاده از مشارکت بیشتر اعضای هیأت علمی در این خصوص توصیه می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: شاخص‌های آموزشی، دیدگاه اعضای هیأت علمی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه.

** عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه. *** Ph.D آمار حیاتی

و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه.

**** کارشناس مرکز توسعه، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه.

*عهددار مکاتبات: کرمانشاه، باغ ابریشم، دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی، تلفن ۰۸۳۱-۴۲۷۴۶۱۹.

مقدمه:

درمانی - بهداشتی و ناکارآمدی

دانش آموختگان بر عهد

متولیان امر آموزش خواهد بود

(۴). این در حالی است که

اساساً آموزش چندان جدی گرفته

نمی‌شود؛ به عنوان مثال در

اکثر موارد، از فارغ

التحصیلان تخصص‌های مختلف پزشکی

به عنوان عضو هیأت علمی

استفاده می‌شود، بدون آنکه در

ارتباط با مفهوم آموزش و

شرایط و لوازم آن آموزش کافی

دیده باشند (۳). با توجه به

مشکلات فوق و با توجه به

اینکه تجربه تدوین برنامه‌های

آموزشی در کشور ما بسیار

محدود می‌باشد، لذا به نظر

می‌رسد راه مناسب آن باشد که

با حداکثر بهره‌گیری از تجربیات

دیگران در این زمینه و با

توجه به شرایط ویژه خود، به

تدوین برنامه‌های آموزشی

مناسبت اقدام کنیم (۳). در

این باره استفاده از

آموزش به معنای هر گونه

فعالیت یا تدبیر از

پیش‌طرح‌ریزی شده‌ای است که هدف

از آن ایجاد یادگیری در افراد

(۱) و ایجاد تغییرات لازم در

رفتار آنها می‌باشد (۲).

به عبارت دیگر آموزش با هدف

ایجاد تغییر به منظور رفع نیاز

انجام می‌شود. با توجه به اینکه

در شرایط زندگی امروز که

نیازهای جامعه در حال تغییر

دایمی هستند، بنابر این لازم

است که ما نیز در آموزش خود

تغییر ایجاد کنیم (۳). در

ارتباط با نظام آموزش پزشکی

کشور چنین پیشنهاد شده که

توجه بیشتر به کیفیت آموزش به

منزله ابزار اصلی تأمین

مراقبت‌های درمانی، بهداشتی

مورد نیاز در کشور و در نهایت

ارتقای سطح تندرستی جامعه،

امری ضروری است، در غیر

این صورت مسئولیت کلیه تبعات

دیدگاه‌های مدرسان دانشگاه در عین حال که از یک طرف می‌تواند تجارب وسیعی را در اختیار برنامه‌ریزان آموزشی قرار دهد، از طرف دیگر فاصله بین تئوری‌های کلاسیک آموزشی و مشکلات و موانع عملی اجرایی این تئوری‌ها را روشن‌تر می‌سازد و نقش مهمی در رویکرد واقع‌گرایانه مسئولین و برنامه‌ریزان نسبت به وضعیت آموزشی دانشگاه خواهد داشت. در یکی از مطالعات صورت‌گرفته مشخص شده که اعضای هیأت علمی یکی از دانشکده‌های پزشکی کشور، عمده‌ترین مشکلات آموزشی را به‌ترتیب اولویت: عدم قانونمندی، عدم برنامه‌ریزی، عدم توجه به مسائل آموزشی، اشکالات مدیریتی و مشکلات مالی دانسته‌اند (۵). در یک بررسی چنین اظهار شده که در شرایط کنونی کشور ما که در مدت نسبتاً کوتاهی، تعداد دانشجویان پزشکی به چندین برابر افزایش یافته و به دلیل عدم رشد متناسب بودجه و امکانات، بودجه سرانه آموزش پزشکی کاهش یافته است، باید

کفایت ابعاد مختلف آموزش پزشکی که در نهایت بر کیفیت حرفه‌ای فارالتحصیلان این رشته تأثیر مستقیم دارد، مورد بررسی قرار گیرد (۶). بعضاً عنوان شده که به‌طور کلی دوره آموزش پزشکی عمومی حداقل استاندارد مورد نیاز را که می‌بایست تأمین گردد، فراهم نساخته است (۷). در مجموع به نظر می‌رسد که استفاده از تجربیات و دیدگاه‌های اعضای هیأت علمی می‌تواند نقش مهمی در تدوین برنامه‌های آموزشی مناسب‌تر و کمک به حل مشکلات گذشته و ارتقای سطح آموزش دانشگاه داشته باشد. شاخص‌های آموزشی که در این بررسی برای تعیین وضعیت آموزشی مورد استفاده قرار گرفته است شامل امکانات آموزشی، برنامه‌ریزی آموزشی، نحوه پذیرش دانشجو، کارگاه‌های آموزشی، روش‌های تدریس و ارزشیابی و عوامل مؤثر بر موفقیت آموزشی بودند. با توجه به کمبود اطلاعات در این زمینه، هدف مطالعه حاضر بررسی وضعیت بعضی از شاخص‌های آموزشی از

گیری به ترتیب از اعتبار محتوا و ضریب آلفای کرانباخ استفاده گردید که ضریب همبستگی آن ۰/۷ به دست آمد. جامعه مورد بررسی، اعضای هیأت علمی دانشگاه بودند و روش نمونه گیری، نمونه در دسترس بود. پرسشنامه توسط همکاران تحقیق در بین اعضای هیأت علمی توزیع و پس از تکمیل توسط آنها، جمع آوری، کد گذاری و توسط نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. روش تجزیه و تحلیل به این ترتیب بود که ابتدا اطلاعات به شکل درصد پاسخ های علامت گذاری شده برای هر مورد از سئوالات تعیین گردید و سپس پاسخ های داده شده بر حسب سن، جنس، وضعیت استخدامی، سابقه تدریس و سایر مشخصات فردی به تفکیک در جداول یک و دو بعدی به صورت فراوانی و درصد مشخص گردید. علاوه بر آن برای نشان دادن همبستگی بین متغیرها از آزمون مجذور کای و ضریب توافق چوپروف استفاده شد.

یافته ها:

نظر آموزش دهندگان این سیستم، یعنی اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه می باشد.

مواد و روش ها:

پژوهش حاضر مطالعه ای توصیفی-تحلیلی است. ابزار گردآوری داده ها در این مطالعه پرسشنامه ای مشتمل بر ۲ قسمت بود. قسمت اول مشخصات فردی از جمله سن، جنس، وضعیت تأهل، وضعیت استخدامی، سابقه تدریس، دانشکده محل خدمت و واحدها و کارگاه های گذرانده شده در خصوص روش تدریس بود. قسمت دوم شامل ۳۷ سؤال بر اساس مقیاس لیکرت در موضوعات مختلف شامل ضرورت گذراندن کارگاه های روش تدریس در زمان مناسب آن، عوامل مؤثر بر موفقیت آموزشی مدرس، امکانات آموزشی موجود در دانشکده ها، نحوه مدیریت، برنامه ریزی و مشارکت اعضای هیأت علمی در روند آموزشی، مشکلات پذیرش دانشجوی و پیشنهادها بود. برای تعیین روایی و پایایی ابزار اندازه

علمی در ارتباط با عوامل مؤثر در موفقیت آموزشی نشان داده شده است.

اعضای هیأت علمی میزان امکانات آموزشی دانشکده ها، مثل مناسب بودن مکان کلاسها، ابعاد کلاسها، امکانات فیزیکی، سکوت و آرامش در کلاسها و وسایل کمک آموزشی را زیاد ارزیابی کردند که بیشترین درصد زیاد مربوط به وسایل کمک آموزشی مثل دستگاه اورهد و اپک (۵۲/۸٪) و کمترین آن مربوط به فیلم های آموزشی (۳۱/۲٪) بود. در خصوص مدیریت و مشارکت اعضای هیأت علمی در برنامه ریزی آموزشی به ترتیب، ۵۰٪ میزان نقش اعضای هیأت علمی را در ارزشیابی برنامه ها، ۳۵/۹ درصد میزان اجرای قوانین آموزشی، ۲۸/۸ درصد برنامه ریزی آموزشی، ۲۷/۳ درصد، مدیریت آموزشی و ۱۶/۸ درصد توجه به مشکلات آموزشی را مناسب ارزیابی کردند.

از مجموع ۲۰۰ عضو هیأت علمی شاغل در دانشگاه به طور کلی تعداد ۱۵۷ پرسشنامه تکمیل شد و مورد بررسی قرار گرفت. از بین این تعداد ۳۱٪ زن، ۸۹/۲٪ متأهل، ۲۶/۳٪ رسمی قطعی، ۴۰/۴٪ رسمی آزمایشی و بقیه پیمانی، ۲۷/۳٪ مری، ۷۰/۱٪ استادیار، ۲/۶٪ دانشیار بودند. ۷۷/۴٪ در دانشکده پزشکی، ۶/۵٪ در دانشکده بهداشت و ۱۶/۱٪ در دانشکده پرستاری و مامایی شاغل بودند. ۶۱/۷٪ قبل از شروع به کار آموزش، دوره یا واحدی در ارتباط با روش های آموزشی نگذرانده بودند، ۹۰/۷٪ در کارگاه های روش تدریس شرکت کرده بودند. ۶۶/۹٪ افراد این کارگاه ها را متناسب با نیازهای آموزشی خود دانستند. ۸۷/۹٪ نیاز به گذراندن دوره یا واحدی خاص برای اندوختن دانش روش تدریس و ۶۷/۹٪ ضرورت تداوم کارگاه را زیاد ارزیابی کردند. در جدول ۱ توزیع دیدگاه اعضای هیأت

۵: توزیع دیدگاه اعضای هیأت علمی در خصوص اهمیت عوامل مؤثر در موفقیت آموزشی آن‌ها در

دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه (۱۳۸۰)

جمع	کم	متوسط	زیاد	میزان اهمیت عوامل
۱۵۵ (۱۰۰)	۰ (۰)	۹ (۵/۸)	۱۴۶ (۹۴/۲) (مدرك تخصصي
۱۵۶ (۱۰۰)	۰ (۰)	۰ (۰)	۱۵۶ (۱۰۰)	داشتن توان علمي
۱۵۵ (۱۰۰)	۰ (۰)	۱۰ (۶/۵)	۱۴۵ (۹۳/۵) (توانايي سخنوري
۱۵۵ (۱۰۰)	۱ (۰/۶)	۱۴ (۹)	۱۴۰ (۹۰/۳) (توان مهارت‌هاي ارتباطي
۱۵۵ (۱۰۰)	۴ (۲/۶)	۲۸ (۱۸/۱)	۱۲۳ (۷۹/۳) (توان ايجاد تفکر نقاد
۱۵۲ (۱۰۰)	۷ (۴/۶)	۳۴ (۲۲/۴)	۱۱۱ (۷۳) (توان ايجاد حل مشكلات در دانشجويان
۱۵۲ (۱۰۰)	۹ (۵/۹)	۴۲ (۲۷/۶)	۱۰۱ (۶۶/۵) (فعاليت پژوهشي استادان

۲۶/۵ درصد میزان تناسب کم را خصوص پذیرش دانشجو، ۵۴ درصد برای برنامه‌ریزی متمرکز هماهنگی رشته‌های تحصیلی با دانشگاه‌ها اعلام کردند. در نیازهای جامعه، ۵۱ درصد

هماهنگی رشته های تحصیلی با نیاز جامعه از نظر ۵۴/۸ درصد مربیان و ۳۴/۲ درصد استادیاران مناسب است. در مورد افزودن مصاحبه در کنکور، مربی های دانشکده ها نسبت به استادیاران تمایل بیشتری را نشان دادند (۵۴/۸ در مقابل ۲۰/۴ درصد) که بین آنها تفاوت معنادار آماری وجود داشت (P=۰/۰۰۱). از نظر استادان دانشکده پزشکی توان ایجاد حل مشکل در دانشجویان از عوامل مؤثر در موفقیت تدریس اهمیت کمتری نسبت به دانشکده های غیر پزشکی داشت (۶۷/۸ در مقابل ۸۸/۶ درصد) که تفاوت معنادار آماری وجود داشت (P=۰/۰۳). اعضای هیأت علمی دانشکده های غیرپزشکی افزودن مصاحبه اختصاصی به کنکور را ضروری تر از اعضای هیأت علمی دانشکده پزشکی دانستند (۵۷/۱ در مقابل ۲۲/۲ درصد) که این تفاوت از نظر آماری نیز معنادار بود (P=۰/۰۱).

در جدول ۳ توزیع سنی اعضای هیأت علمی برحسب تناسب شیوه

انتخاب مستعدترین افراد را در کنکور، ۵۰/۳ درصد تناسب تعداد دانشجویان با امکانات آموزشی، ۶۸/۶ درصد گزینش دانشجویان به روش سهمیه ای را نامناسب و ۴۱/۳% گزینش دانشجویان به روش منطقه ای و ۴۴ درصد گزینش براساس بومی بودن را مناسب دانستند. ۵۸/۹ درصد اعضای هیأت علمی احتساب معدل دبیرستان در کنکور سراسری، ۲۸/۱ درصد اضافه کردن سئوالات تشریحی را به کنکور، ۳۰/۱ درصد مصاحبه اختصاصی در کنکور و ۶۹/۱ درصد حذف سهمیه های مختلف از کنکور را پیشنهاد دادند.

در جدول ۲، توزیع دیدگاه اعضای هیأت علمی در خصوص مناسب بودن برنامه ریزی متمرکز برحسب مرتبه علمی آنان نشان داده شده است. ۴۲/۹ درصد مربی در مقابل ۲۲/۵ درصد استادیاران، برنامه ریزی متمرکز را مناسب دانستند که این

اختلاف از نظر آماری معنادار بود (P = ۰/۰۵).

گزینش علمی نشان داده شده

۶- توزیع دیدگاه اعضای هیأت علمی در خصوص مناسب بودن برنامه ریزی

متمرکز برحسب مرتبه علمی آنان

در دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه (۱۳۸۰)

مرتبه علمی	مناسب بودن برنامه ریزی	کم	متوسط	زیاد	جمع
مربی	۹	۱۵	۱۸	۴۲	(۱۰۰)
	(۲۱/۴)	(۳۵/۷)	(۴۲/۹)	((
استادیار	۳۰	۵۶	۲۵	۱۱۱	(۱۰۰)
	(۲۷)	(۵۰/۵)	(۲۲/۵)	((

۷- توزیع سنی اعضای هیأت علمی برحسب تناسب شیوه گزینش علمی از دیدگاه

آنان

در دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه (سال ۱۳۸۰).

سن	میزان تناسب شیوه گزینش	کم	متوسط	زیاد	جمع
کمتر از ۴۰ سال	۳۰	۳۲	۱۴	۷۶	(۱۰۰)
	(۳۹/۵)	(۴۲/۱)	(۱۸/۴)	((
بیشتر از ۴۰ سال	۱۳	۴۳	۱۵	۷۱	(۱۰۰)
	(۱۸/۳)	(۶۰/۶)	(۲۱/۱)	((

۸- توزیع سابقه کار اعضای هیأت علمی بر حسب نقش فعالیت پژوهشی استادان

در موفقیت آموزشی

از دیدگاه آنان در دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه (سال ۱۳۸۰).

نقش فعالیت پژوهش سابقه کار (سال)	کم	متوسط	زیاد	جمع
۱-۹	۷ (۸/۵)	۲۶ (۳۱/۷)	۴۹ (۵۹/۸)	۸۲ (۱۰۰)
۱۰-۲۵	۲ (۳/۳)	۱۱ (۱۷/۷)	۴۹ (۷۹)	۶۲ (۱۰۰)

جدول ۴ نشان می‌دهد که اعضای هیأت علمی با سابقه بیش از ۱۰ سال، فعالیت پژوهشی را از عوامل مهم موفقیت در تدریس می‌دانند ($P=۰/۰۵$).

بحث :

علیرغم اینکه حدود یک سوم اعضای هیأت علمی، کارگاه‌های روش تدریس را متناسب با نیازهای آموزشی خود ندانسته‌اند، اما عمدتاً با برگزاری کارگاه‌ها قبل از شروع به کار، در حین تدریس و به صورت مداوم و متوالی موافق بودند. در مطالعه‌ای اعضای هیأت علمی نیاز به گذراندن کارگاه فرایند آموزشی در

است: اعضای هیأت علمی با سن ۴۰ و بالاتر شیوه فعلی را مناسبتر از اساتید با سن کمتر از ۴۰ سال ارزیابی کردند.

اعضای هیأت علمی با سن ۴۰ سال و بالاتر گزینش بومی را مناسبتر از اعضای هیأت علمی با سن کمتر از ۴۰ سال (۳۱/۷ درصد) ارزیابی کردند که تفاوت معنادار آماری را نشان داد ($P=۰/۰۲$). اعضای هیأت علمی با سن ۴۰ سال و بالاتر احتساب معدل دبیرستان را در کنکور سراسری ضروری‌تر از اعضای هیأت علمی با سن کمتر از ۴۰ سال دانستند (۶۸ درصد) که این اختلاف معنادار بود ($P=۰/۰۴$).

علوم پزشکی (۸۳٪)، طرح درس (۹۰٪)، ارزشیابی و استانداردهای سئوالات امتحانی (۱۰۰٪) و کامپیوتر و زبان انگلیسی (۱۰۰٪) را ابراز نموده اند (۸). همچنین در مطالعه دیگری در خصوص آموزش طب سربایی مشخص گردید که حدود ۷۷ درصد اعضای هیأت علمی خواهان گذراندن کارگاه هایی برای آشنایی بیشتر با جزئیات مسأله بودند (۹). تمامی این نتایج و از جمله یافته های مطالعه حاضر حاکی از احساس نیاز شدید اعضای هیأت علمی نسبت به آشنایی بیشتر با جنبه های مختلف آموزش پزشکی است. این در حالی است که از یک طرف طبق اظهار نظر کارشناسان، فرایند آموزش پزشکی چندان جدی گرفته نمی شود و از فارغ التحصیلان تخصص های مختلف پزشکی به عنوان هیأت علمی استفاده می شود، بدون آنکه در ارتباط با مفهوم آموزش و شرایط و لوازم آن آموزش کافی دیده باشند (۳). همچنین اذعان شده که کمبود مطالعات رسمی در مورد تدریس

در بین اعضای هیأت علمی منجر به کاهش بازده آموزشی دانشگاه می شود (۱۰)، اما از طرف دیگر توقعات آموزشی قابل ملاحظه ای از همین اعضای هیأت علمی انتظار می رود؛ به عنوان مثال در ارزشیابی اعضای هیأت علمی توسط دانشجویان، موارد متعددی از جمله به روز بودن مسائل علمی، مهارت های ارتباطی مدرس، روش ارزشیابی دانشجویان، نحوه استفاده از ابزار کمک آموزشی و غیره مورد بررسی قرار می گیرد. در چنین شرایطی احساس نیاز مدرسین به افزایش اطلاعات در زمینه های آموزشی طبیعی است و در مطالعات متعددی نیز نگرش مثبت اعضای هیأت علمی نسبت به کارگاه های مرتبط با اصول آموزش پزشکی و تحولات آموزشی گزارش شده است (۱۰ و ۱۱). در مجموع با توجه به مطالعه دیگران و نتایج حاضر، نهادینه شدن کارگاه های آموزش پزشکی به شکل مداوم، متوالی و مستمر، در زمینه های مختلف پیشنهاد می گردد. همچنین با توجه به

آموزشی موجود را خوب ارزیابی نموده‌اند، اما توجه مسئولین به مشکلات آموزشی دانشگاه را ضعیف دانسته‌اند. نتیجه حاضر می‌تواند حاکی از دوری مسئولین از اعضای هیأت علمی در امر مدیریت آموزشی و در واقع انعکاس عدم استفاده از مدیریت مشارکتی در مراکز علمی کشور باشد. در حالی که محدودیت امکانات و فضای آموزشی در برخی از دانشگاه‌های کشور مشکلاتی را مطرح کرده است (۱۷-۱۴)، رضایت نسبی مدرسین در این خصوص فرصت مناسبی جهت فعالیت‌های آموزشی در کرمانشاه را فراهم ساخته است. با توجه به اهمیت و نقش اعضای هیأت علمی در سیستم آموزشی چنین به نظر می‌رسد مشارکت بیشتر آن‌ها در امر مدیریت نقش عمده‌ای در ارتقای کیفیت آموزشی داشته باشد (۱۸). از سوی دیگر، عدم ارزیابی علمی و مستمر از مدیریت آموزشی دانشگاه، موجب ناقص ماندن حلقه بازخور می‌شود و یقیناً این ضعف تأثیر منفی در سیستم آموزشی خواهد

اینکه راندمان کارگاه در سنین کمتر بیشتر می‌باشد (۱۰)، پیشنهاد می‌شود که برنامه‌های آموزشی از ابتدای استخدام اعضای هیأت علمی برگزار شود. اعتقاد به نقش بالای توانایی سخنوری، مدرک تخصصی و توان علمی و ارتباطی در موفقیت آموزشی مدرس و در مرحله بعدی قرار گرفتن متغیرهایی از قبیل توان ایجاد تفکر نقاد، توان ایجاد حل مشکل در دانشجویان و فعالیت‌های پژوهشی استادان نیز می‌تواند ریشه در سهم بالای شیوه سخنرانی در روش‌های آموزشی متداول و حاکمیت روش‌های سنتی بر دانشگاه‌ها داشته باشد. این نکته خلاف تأکید مطالعات بر عدم کارایی آموزش به روش سخنرانی و یادگیری به روش حافظه‌ای در پیشرفت تحصیلی و در نتیجه پیشرفت کشور است و به این دلیل توصیه به استفاده از روش‌های غیرسنتی به‌وفور مشاهده می‌گردد (۱۲ و ۱۳). همچنین با وجود اینکه اعضای هیأت علمی به‌طور کلی امکانات

بسیار دور از انتظار است. دانشجوی پزشکی در مواجهه با بیماران مختلف با مشکلات متعددی روبرو خواهد شد و بدیهی است که داشتن توان حل مشکل در دانشجویان می‌تواند نشانه خوبی از موفقیت آموزشی مدرس باشد، اما توجه بیشتر مدرسان دانشکده های غیرپزشکی در این خصوص می‌تواند به دلیل رابطه نزدیکتر آنان با علم آموزش باشد. اعضای هیأت علمی دانشکده های غیرپزشکی عمدتاً در طول دوران تحصیل خود واحدهای مرتبط با روش آموزش را گذرانده اند، این نکته خود می‌تواند نقش مهم و اساسی در تفاوت دیدگاه های اعضای هیأت علمی (مربی و استادیار دانشکده های پزشکی و غیرپزشکی) داشته باشد. اعضای هیأت علمی با سابقه کار بیش از ده سال در مقایسه با سایرین، نقش فعالیت پژوهشی استادان را در موفقیت آموزشی مهم‌تر دانستند. به نظر می‌رسد با توجه به تجربه این افراد، نکته حاضر می‌تواند تأکید بر

داشت (۱۷). اعضای هیأت علمی در خصوص نحوه گزینش دانشجو، میزان تناسب دانشجو با امکانات آموزشی، نیروی انسانی و فضای آموزشی، وضعیت را نامناسب ارزیابی و برای بهبود آن با احتساب معدل دبیرستان در کنکور، حذف سهمیه های مختلف موافقت داشتند که این یافته با مطالعه ای در دانشگاه علوم پزشکی اهواز نیز تأیید شده است (۱۹). به علاوه مطالعات نشان داده که معدل نمرات علوم تجربی در زمان کنکور از قدرت پیش بینی بالایی در میزان موفقیت دانشجویان برخوردار است (۲۰). چنین به نظر می‌رسد که توجه بیش از پیش به تجربیات اساتید در این خصوص ضروری می‌باشد. از نظر اعضای هیأت علمی شاغل در دانشکده های غیرپزشکی در مقایسه با شاغلین دانشکده پزشکی، بند «توان ایجاد حل مشکل در دانشجویان» اهمیت بیشتری را در موفقیت آموزشی مدرس داشته است. با توجه به تربیت دانشجویان دوره دکتری در دانشکده پزشکی این یافته

اهمیت پژوهش و تولید علم بر کیفیت آموزش باشد. به طور کلی مشکلات متعددی در مورد سیستم آموزش فعلی کشور (۲۱)، قوانین و مقررات موجود آموزشی (۲۲) و جود داشته که مطالعه حاضر نیز تأکید بر این نکات دارد. به علاوه هماهنگی با پیشنهادهای به عمل آمده در سایر مطالعات مبنی بر مشارکت بیشتر اعضای هیأت علمی در امر برنامه ریزی آموزشی و تجدید نظر کلی در این مورد (۲۳) چنین به نظر می رسد که مشارکت مستمر و قانونمند اعضای هیأت علمی و انعکاس

مداوم دیدگاه این بخش از سیستم آموزشی، نقش مهمی در تحولات ضروری و اجتناب ناپذیر روند آموزش پزشکی داشته باشد و توجه بیش از پیش در این خصوص پیشنهاد می گردد.

تشکر و قدردانی :

از مدیریت پژوهشی که امکان انجام چنین تحقیقی را فراهم نمودند و از همکارانی که در تکمیل پرسشنامه و جمع آوری آن ما را یاریگر بودند و همچنین از کسانی که تایپ گزارش نهایی را به عهده داشتند، تشکر و قدردانی می شود.

منابع :

- ۱- اسدالهی پ، افشار پ. مقایسه نظرات اساتید و دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اهواز در خصوص وضعیت فعلی آموزشی. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی. سال ۱۳۸۱؛ شماره ۷، صفحه ۱۱.
- ۲- بذرافکن ل، نیک سرشت ع. بررسی دیدگاه اساتید دانشگاه علوم پزشکی پیرامون تدوین طرح درس در شرایط موجود. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، سال ۱۳۸۱؛ شماره ۷، صفحه ۲۸.
- ۳- روابط عمومی دبیرخانه شورای پزشکی و تخصصی کشور. خبرنامه آموزشی پزشکی و تخصصی، برنامه آموزشی، خردادماه ۱۳۷۸؛ شماره هفتم، صفحات ۲۱-۱۶.
- ۴- روابط عمومی دبیرخانه شورای پزشکی و تخصصی کشور، خبرنامه آموزش پزشکی و تخصصی، اصلاح روند تدوین برنامه های آموزشی

- دوره های تخصصی و فوق تخصصی، خرداد ماه ۱۳۷۸؛ شماره هفتم، صفحه ۱۵.
- ۵- ظفر قندی م، فتوحی ا، رضایی ا، صادق نیت خ، مهرداد ر. نظرسنجی از اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران در رابطه با مشکلات دانشگاه و دانشکده ها (آبان و آذرماه ۱۳۷۶).
مجله دانشکده پزشکی تهران، سال ۱۳۷۷؛ شماره ۴، صفحات ۸۷-۹۱.
- ۶- روابط عمومی دبیرخانه شورای آموزش پزشکی و تخصصی کشور. خبرنامه آموزشی پزشکی تخصصی، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، مردادماه ۱۳۷۸؛ شماره هشتم، صفحات ۳۹-۴۲.
- ۷- بذرافکن ل، دهقانی م، ده بزرگیان م. مقایسه نظرات اساتید بادانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز در ارتباط با فرایند آموزش پزشکی. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، سال ۱۳۸۱، شماره ۷، صفحه ۲۹.
- ۸- سهیلی ث، زینالو ع، صدیقی گیلانی م، خاکبازان ز. بررسی تأثیر کارگاه های آموزشی برگزارشده در مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی تهران از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۸۰. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، سال ۱۳۸۱؛ شماره هفتم، صفحه ۷۴.
- ۹- عباسعلی زاده ف، صحاف ابراهیمی ف، خوشباطن م، ولی م، صفائیان ع. بررسی آگاهی و نگرش اعضای هیأت علمی بالینی دانشگاه علوم پزشکی تبریز در زمینه آموزش طب سربایی. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، سال ۱۳۸۱؛ شماره هفتم، صفحه ۷۸.
- ۱۰- نوحی ع، حق دوست ع، فرج زاده س. تأثیر کارگاه های مقدماتی روش تدریس بر آگاهی، نگرش و عملکرد مدرسین دانشگاه علوم پزشکی کرمان. مجله دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی قزوین، تابستان ۱۳۸۱؛ شماره ۲۲، صفحات ۵-۹.
- ۱۱- بهادرانی م، یمانی ن. بررسی دانش نگرش و عملکرد اعضای هیأت علمی دانشگاه نسبت به کاربرد رایانه و شبکه های اینترنت در امر آموزش در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان (سال ۱۳۸۱). مجله

ایرانی آموزش در علوم پزشکی، سال ۱۳۸۱؛ شماره هفتم، صفحه ۳۴.

۱۲- ادهمی ا، جوادی ی، حق دوست ع. ارتباط امکانات آموزشی و نیروی انسانی بخش‌های علوم پایه پیشرفت تحصیلی دانشجویان پزشکی کرمان. مجله دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی قزوین، تابستان ۱۳۸۱؛ شماره ۲۲، صفحات ۳۶-۵۶.

13. Ryam M, Carlton KH, Ali NS. Evaluation of traditional classroom teaching methods versus course delivery via the world wide web. J Nurs Educ 1999 Sep; 38(6): 272-70.

۱۳- خوشباطن م، هریرچی قدیم ح، صفائی‌ان ع، عطایی ب، ولی م. نظرسنجی از دانشجویان دستیاران اساتید و فارغ التحصیلان پزشکی در خصوص آموزش پزشکی به منظور ارتقای کیفیت آموزش پزشکی در دانشکده پزشکی تبریز. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، سال ۱۳۸۱؛ شماره هفتم، صفحه ۵۴.

۱۴- خوشباطن م، احساسات وطن م، شیرودمجشی آ، عبدالعلیان ف، نامداری ف. بررسی دانش‌نگرش و عملکرد اعضای هیأت علمی دانشکده پزشکی تبریز در مورد وسایل کمک آموزشی در تابستان ۸۱. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، سال ۱۳۸۱؛ شماره هفتم، صفحه ۵۶.

۱۵- برهان مجابی ک. وضعیت آموزشی بالینی رشته دندانپزشکی از دیدگاه اساتید و دانشجویان دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی قزوین. مجله دانش علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی قزوین، تابستان ۱۳۸۱؛ شماره ۲۲، صفحات ۴۸-۵۵.

۱۶- غفوریان بروجردنیا م، شکوریان ع. بررسی دیدگاه اساتید دانشگاه علوم پزشکی اهواز نسبت به بازخورد نتایج ارزشیابی استاد و بهبود کیفیت تدریس. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، سال ۱۳۸۱؛ شماره هفتم، صفحه ۹۲.

17. Wallin L, Bostrom AM, Harrey G, Wikblad K, Ewald V. Progress of unit based quality improvement: an evaluation of a support strategy. Available at: <http://www.ncbi.nlm.nih.gov/>

- ۱۹- افشاری پ، اسدالهی پ. مقایسه دیدگاه اعضای هیأت علمی و دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اهواز در خصوص نحوه گزینش دانشجو برای دانشگاه. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، سال ۱۳۸۱؛ شماره هفتم، صفحه ۱۶.
- ۲۰- صبوری کاشانی ا، زینالو ع. معیاری جدید برای گزینش داوطلبان پزشکی. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، سال ۱۳۸۱؛ شماره ۷، صفحه ۸۵-۸۴.
- ۲۱- صفری ی، بازرگان ر، دارابی ف، سالاری ن. بررسی دیدگاه مدرسین دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه در خصوص موانع استفاده از روش‌های تدریس فعال. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، سال ۱۳۸۱؛ شماره هفتم، صفحه ۸۴.
- ۲۲- فرود افسر، فرود افسانه. بررسی نظرات دانشجویان و اعضای هیأت علمی پرستاری و مامایی در مورد مشکلات آموزشی بالینی. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، سال ۱۳۸۱؛ شماره ۷، صفحه ۹۵.
- ۲۳- محمدی م، زینالو ع، گرانمایه م، آزاد س، عارفانیان ح. بررسی نظرات اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران در مورد مشکلات موجود در برنامه ریزی آموزشی دانشگاه. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، سال ۱۳۸۱؛ شماره ۷، صفحه ۱۱۶.